



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسین طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۳

جلسه سیزدهم؛ سه شنبه ۱۴۰۲/۰۷/۲۵ (فقه معاصر - جلسه دوم) **ویرایش اولیه**

بیان کردیم هر نظامی که عنایت به مسائل اجتماعی دارد، مجبور است درآمدهایی را برای اموری که از لحاظ اجتماعی لازم بوده و هزینه بر است پیش بینی کند. اسلام هم چنین است و مسائل فوق العاده‌ای در این زمینه دارد که با مراجعه به متون اسلامی این امر کاملاً آشکار است؛ خصوصاً با مراجعه به قرآن کریم و سپس روایات و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام.

### متغیر بودن نظام‌های مالی بشری در طول تاریخ

به این مطلب هم باید توجه کرد که نظام‌های مالی بشری که در آنها از درآمدهای مالیاتی و پرداخت‌های پولی و مالی استفاده می‌شود، در طول زمان تغییرات فوق العاده‌ای کرده‌اند؛ مثلاً اگر امروزه یک نظام مالیاتی در فلان کشور به اصطلاح توسعه یافته برقرار است، اینچنین نبوده که از ابتدا دارای اینچنین نظام پرداخت مالی بوده باشد، بلکه دولت‌ها یا ادیانی - چه ادیان حق و چه باطل - که از قدیم بودند، انواع پرداخت‌ها را به گردن مردم می‌گذاشتند.

گاهی منابع مالی نظام‌های بشری، مالیات‌هایی بوده که بر محصولات اراضی می‌بستند و گاهی مالیات سرانه یا مالیات بر ارث و نیز چیزی شبیه عوارض گمرکی بوده است. اما مالیات‌هایی که تا اندازه‌ای می‌توان گفت مالیات پیشرفته است مثل مالیات بر درآمد خالص یا حتی مالیات بر ارزش افزوده که امروزه گرفته می‌شود، این مالیات‌ها بعداً و در طول زمان پدید آمده‌اند.

شاید ابتدای پیدایش مالیات بر درآمد خالص آنچنان که گفته‌اند، اوائل قرن نوزدهم میلادی باشد که

ویلیام پیت<sup>۱</sup> نخست وزیر انگلیس در زمان جنگ‌های ناپلئون، آن را پیشنهاد داد و مجلس انگلیس هم تصویب کرد و به تدریج این روش مالیات جایگزین مالیات بر محصولات اراضی و مالیات سرانه شد؛ زیرا انقلاب صنعتی و پیشرفت روز افزون صنعت، متصدیان دولت‌ها را متوجه این قضیه کرد که اینچنین نیست که درآمدها منحصر در محصولات زراعی باشد. و از طرف دیگر افرادی که در جامعه هستند توانایی‌های متفاوتی دارند و نمی‌توان مالیات سرانه از همه به طور مساوی گرفت. بدین جهت مالیات بر درآمد خالص را گسترش دادند.

مالیات بر ارزش افزوده هم که امروزه گرفته می‌شود، یک مالیات کاملاً جدید است. همچنین بسیاری از عوارضاتی که امروزه به عناوین مختلف گرفته می‌شود، جدید هستند. به هر حال در طول تاریخ، تحولاتی در منابع مالی نظام‌ها و مالیات‌های مأخوذه اتفاق افتاده است.

### تنوع تقسیم‌بندی پرداخت‌های مالی در نظام اسلامی

پرداخت‌های مالی‌ای که در اسلام وجود دارد نیز نسبت به خودش هم تنوع زیادی دارد و هم بعضی از آنها پیچیدگی‌های زیادی دارد. و انواع طبقه‌بندی‌ها را می‌توان در پرداخت‌های مالی اسلام ذکر کرد. یک **تقسیم‌بندی** آن است که پرداخت‌های مالی گاهی براساس **اراضی** است، گاهی می‌تواند براساس **سرانه** باشد، گاهی براساس **درآمد** باشد؛ آن هم نه درآمد خالص به آن نحوی که در نظام‌های غیر اسلامی وجود دارد که فقط هزینه تولید و تحصیل درآمد را کم می‌کنند، بلکه معونه و هزینه خود فرد هم که غیر از هزینه تحصیل آن درآمد است کسر می‌شود، مانند خمس که براساس درآمد حساب می‌شود، منتها هزینه تولید و نیز هزینه خود فرد کم می‌شود. **مالیات سرانه** مانند زکات فطره که همه افراد باید بپردازند، منتها فرقی با مالیات سرانه در نظام‌های دیگر آن است که در آن نظام‌ها معمولاً همه افراد اعم از غنی و فقیر باید این نوع مالیات را بپردازند، اما در اسلام زکات فطره فقط بر غنی و کسانی که تحت تکفلش هستند واجب است اما بر فقیر واجب نیست.

همچنین در اسلام **مالیات بر استفاده از منابع طبیعی** وجود دارد؛ مانند **خمس معادن**، **خمس غوص**، **زکات انعام** ثلاثة در صورتی که سائمه - یعنی از منابع طبیعی استفاده کرده - باشند. زکات بر دارایی در مثل نقدین که نصاب خاص خود را دارد و نظیر مالیات بر دارایی است و غیر از مالیات بر درآمد می‌باشد.

---

William Pitt . ۱

البته این تقسیمات ممکن است تداخل داشته باشند، ولی به هر حال عناوین متفاوت بر آن منطبق است. و انواع پرداخت‌های دیگر که در طبقه بندی‌های مختلف می‌توان آنها را تقسیم کرد. البته اینکه تعبیر به مالیات می‌کنیم، از باب تشبیه است و الا تعبیر دقیق و فنی «پرداخت‌های مالی در اسلام» است.

**تقسیم دیگر** اینکه بعض پرداخت‌های مالی در اسلام **عبادی** هستند و جز با **قصد قربت** نمی‌شود، مانند زکات و خمس. اما بعضی دیگر اعم هستند و هم می‌توان با قصد قربت باشد و هم بدون قصد قربت، مانند جزیه و خراج.

**تقسیم بندی دیگر** اینکه بعضی از مالیات‌ها **مستقل** هستند به این معنا که خود شرع به نوعی با معیارهایی نسبت، منبع یا مورد مصرفش و فی‌الجمله غرض از آن یا ترکیبی از اینها را ذکر کرده است. اما بعضی از مالیات‌ها اینچنین نیستند مگر در حدی که یک هدفی کلی برای آنها ذکر شده باشد، مانند پرداخت‌هایی که باید برای جهاد، دفاع یا برای هر امر دیگری در جامعه اسلامی محقق شود و برای آنها یا منبع خاصی پیش‌بینی نشده و یا اینکه منبع پیش‌بینی شده اما به هر دلیلی کفاف نمی‌دهد.

[**هم‌چنین** بعض پرداخت‌های مالی **مستقل** هستند و تابع موضوع دیگری نیستند، اما بعض دیگر مالیات تبعی هستند به این معنا که تابع موضوع خاصی هستند که مردم بر عهده خودشان می‌گذارند؛ مانند نذورات و آنچه با قسم واجب می‌شود که تابع قصد و نذر فرد یا قسم اوست.]

همچنین **تقسیمات دیگری** که متخصصین مالیاتی دارند مانند مالیات «تناسبی، تنازلی و تصاعدی» را می‌توان [فی‌الجمله] در پرداخت‌های مالی اسلام تطبیق کرد؛ «تناسبی» مانند خمس و «تنازلی» مانند بعضی موارد زکات، ولی در اسلام جایی به مالیات تصاعدی برخورد نکردیم.

به هر حال فروعات زیادی در این مبحث وجود دارد که خصوصیات و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. و واقعاً اینچنین نظامی، جالب [و شگفت‌انگیز است] که این همه گسترش و توسعه در پرداخت‌های مالی دارد؛ آن هم از حدود هزار و چهارصد سال پیش. و اگر کسی بتواند این فروع را جمع‌آوری کند و با خصوصیاتی که دانشمندان مالیات طبقه‌بندی کرده‌اند طبقه‌بندی کند، مجموعه جالبی خواهد شد و ما فی‌الجمله این کار را در کتاب **نظام مالیاتی و بودجه در اسلام** انجام دادیم.

مهم این است که بر خلاف آنچه خیلی از مردم تصور می‌کنند، نظام مالی اسلامی کتره‌ای و بدون ضابطه نیست که آنچه را که تحت عناوین مختلف دریافت می‌کند، در جایی روی هم انباشته کند و اسمش را

بیت‌المال بگذارند و مصارفش هم آزاد باشد، بلکه هر یک از عناوینی که وجود دارد مصارفی کاملاً جدا دارند. البته به این معنا نیست که انعطاف نداشته باشد، بلکه به حسب روایات حتماً انعطاف دارد - که این شاء الله این روایات را رسیدگی خواهیم کرد - ولی این انعطاف هم بدون برنامه و بی حساب نیست.

### لزوم نگرش کلی به نظام مالی اسلام و پرهیز از نگاه بخشی

ممکن است بعضی از افراد، نظام مالی اسلام را به صورت بخشی ملاحظه کنند [و در نتیجه اشکالات و] مطالبی به ذهن آنها برسد، منتها [منشأ این مطالب آن است که] چون نگاه کلی ندارند، چه بسا توجه به سایر نکات نداشته باشند [و لذا ابهاماتی به ذهن آنها خطور کرده باشد]. بدین جهت مناسب است اینجا مطلبی را به عنوان یک نکته کلی تذکر دهیم که اصلاً نمی‌شود نظام اسلامی را به طور بخشی نگاه کرد و چنین نگاهی موجب می‌شود انسان گرفتار مشکلات شود. بلکه نظام اسلامی را باید به عنوان یک مجموعه به هم پیوسته‌ای که اجزاء آن کمک‌کار یکدیگرند نگاه کرد و معمولاً چنین نیست که اگر بخشی امکانش نبود، وظیفه از سایر بخش‌ها ساقط شود بلکه این بخش‌ها کاملاً به یکدیگر مرتبطاند؛ چیزی نظیر واجب ارتباطی مثل نماز - نه هر واجب ارتباطی‌ای - که اگر به تنهایی به آن نگاه شود و مثلاً فرد بدون وضو نماز بخواند و یا بخش‌های خود نماز ملاحظه نشود مثلاً رکوع یا سجود را عمداً به جای نیاورد، هیچ فایده‌ای ندارد، بلکه همه بخش‌ها باید با هم ملاحظه شود و اگر فرضاً امکان وضو نبود، تیمم کند یا اگر امکان رکوع یا سجود نداشت، با اشاره رکوع و سجود را انجام دهد و هلم جراً.

کل نظام اسلامی هم اینچنین است که اگر بخواهیم ذات اثر باشد و به آن هدفی که بر آن مترتب شده برسیم، باید همه بخش‌های آن انجام شود و اگر بخشی انجام نشود، به آن هدف نمی‌توان رسید. به هر حال اگر عمداً بخشی انجام نشود، معلوم است آن فرد خلاف کرده است، ولی اگر نتوانست بخشی را انجام دهد، جایگزین دارد و باید آن را انجام دهد و اگر نتوانست جایگزین را انجام بدهد، اینچنین نیست که اصلاً وظیفه‌ای نباشد و لازم نباشد که بخش‌های دیگر انجام شود، [برخلاف غیر از مثل نماز از] واجب‌های ارتباطی دیگر که اگر بخشی را نتوانست انجام دهد، آن واجب ساقط شود.

بنابراین مسائلی که مرتبط با نیازهای مالی و منابع مالی نظام اسلامی است، یک مجموعه به هم پیوسته و مرتبط به یکدیگر است که [باید با دید کلان به آن نگاه کرد و نباید آن را منحصر] در یک جامعه کوچک کرد. باید یک نظام فراگیری را فرض کرد که همه مسلمانان یا حداقل بخش وسیعی از آنها را در برداشته

باشد. و الا اگر یک جامعه کوچک فرضاً روستای کوچکی در نظر گرفته شود، چه بسا اصلاً منابع خمس و زکات نداشته باشد و در نتیجه این سؤال مطرح شود که فقرای این جامعه چکار کنند؟! در حالی که باید توجه شود که نظام اسلامی فقط برای یک روستای کوچک نیامده، بلکه برای کل مسلمانان یا حداقل بخش وسیعی از آنها آمده است.

به هر حال در این بحث ما تک تک عناوینی که به نوعی ارتباط با پرداخت‌های مالی و تأمین نیازهای مالی اسلام دارد را آن مقداری که مربوط به بحث می‌شود بررسی می‌کنیم و سپس ارتباط این عناوین و چگونگی جنبه تکمیلی آنها را در نظام اسلامی به عنوان یک مجموعه‌ای که عوامل، منابع و مصارف خود را دارد به حسب توان فکری‌ای که داریم ملاحظه کنیم که چگونه می‌تواند نیازهای مالی یک نظام اسلامی را سامان بخشی کند و بعد از آن است که باید دید آیا در نهایت مشکلی وجود دارد یا خیر؟

### **بررسی عناوین مرتبط با نظام مالی اسلامی**

همان‌طور که اشاره شد عناوین مختلفی در اسلام وجود دارد که مرتبط به پرداخت‌های مالی هستند و همه این عناوین باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند، از جمله عنوان زکات محصولات و انعام ثلاثه، زکات ابدان، خمس، اموال خراجی، جزیه، انفال - که واقعاً عنوان مهمی است که مورد غفلت واقع می‌شود - نذورات، کفارات، پرداخت‌های مالی برای تقویت دفاعی نظام اسلامی و پرداخت‌های دیگری که احياناً ذی‌المقدمه‌اش واجب می‌شود و در نتیجه آن پرداخت‌ها هم به عنوان مقدمه واجب می‌شوند. ولی چون مهمترین عنوانی که در رابطه با پرداخت‌های مالی در ذهن همه وجود دارد و مکرر هم در قرآن کریم و روایات مبارکه آمده **عنوان زکات** است، لذا ابتدا از آن بحث می‌کنیم.

#### **۱. عنوان زکات**

در مورد عنوان زکات، مسائلی وجود دارد که تا اندازه‌ای دارای اهمیت است و باید رسیدگی بشود از جمله اینکه زکات در اصل به چه معنایی است و آیا همان‌طور که برخی اعا کرده‌اند معنای عامی دارد که هر پرداختی را شامل شود یا اینکه مخصوص پرداخت خاصی است؟ یا اینکه زکات تقسیم به دو قسم واجب و مستحب می‌شود و در عین حال هر پرداختی را شامل نمی‌شود و بعضی از پرداخت‌ها خارج می‌شوند؟ بنابراین ابتدا در این جهت بحث می‌کنیم که زکات در اصل به چه معنایی است و در قرآن کریم در مواردی که به معنای پرداخت مالی به کار برده شده، مقصود چیست؟

البته باید توجه داشت که ماده «زک و» در قرآن کریم به معنای دیگری غیر از پرداخت مالی هم به کار رفته است، که این موارد خارج از محل بحث ما هستند، مانند آیه شریفه «**قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا**»<sup>۱</sup> یعنی کسی که خودش را تزکیه کند رستگار شده و کسی که تزکیه نکند بیچاره و شقی شده است. یا آیه شریفه «**وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ**»<sup>۲</sup> که در این موارد به معنای تطهیر است و از محل بحث خارج هستند. اما در بسیاری از موارد «زکاة» به معنای پرداخت مالی است مانند «**يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ**»<sup>۳</sup> یا «**وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ**»<sup>۴</sup> و موارد متعدد دیگری که تعبیر به ایتاء زکات شده است.

و جالب اینکه هم از لحاظ نقلی که شده و هم تصریح خود قرآن کریم، زکات در ادیان سابقه هم بوده است، از جمله آیه شریفه «**وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا**»<sup>۵</sup> که از قول حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام نقل شده است. الان هم به حسب آنچه که نقل کرده‌اند در عهد عتیق یعنی تورات و در عهد جدید، همین معنا وجود دارد. و بلکه در کتاب *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*<sup>۶</sup> ادعا شده - البته نمی‌دانیم چقدر قابل تصحیح باشد - که قریب به لفظ «زکات» در زبان بابلی که یکی از تمدن‌های قدیمی در عراق بوده، به نحو «زکوتو» استعمال می‌شده و به همان معنای پرداخت مالی بوده که جنبه مذهبی هم داشته است. و شاید اینکه رسم الخط قرآن این لفظ همراه با «واو» است با اینکه در زبان عربی «زکات» گفته می‌شود، به مناسبت همین لفظ «زکوتو» بوده است.

متأسفانه بعضی از انسان‌های مریض و بعضی هم بدون غرض و مرض و از روی فهم ناقصشان گفته‌اند از [مثل] اینجا معلوم می‌شود که قرآن کریم این عناوین را از ادیان سابقه و بلکه از سنت‌های سابقه اقتباس

۱. سوره مبارکه شمس، آیات ۹-۱۰.

۲. سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۶۴ و سوره مبارکه جمعه، آیه ۲.

۳. سوره مبارکه مائده، آیه ۵۵؛ سوره مبارکه توبه، آیه ۷۱؛ سوره مبارکه نمل، آیه ۳ و سوره مبارکه لقمان، آیه ۴.

۴. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۷؛ سوره مبارکه توبه، آیات ۵ و ۱۱ و سوره مبارکه حج، آیه ۴۱.

۵. سوره مبارکه مریم، آیه ۳۱.

۶. *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، ج ۹، ص ۳۱۶.

وَأَمَّا الزَّكَاةُ، فَهِيَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَالِ لِتَطْهِيرِهِ، فَهِيَ تَزْكِيَةٌ اخْتِيَارِيَّةٌ لِلْمَالِ وَطَهَارَةٌ لَهُ. وَقَدْ جَعَلَهَا الْإِسْلَامُ فَرِيضَةً عَلَى الْمُسْلِمِ الْمُتَمَكِّنِ بِحَسَبِ الْأَنْصِبَةِ الْمَقْرَرَةِ فِي الشَّرْعِ. وَهِيَ «زَكُوتو» *Zakutu* عِنْدَ الْبَابِلِيِّينَ. وَقَدْ نَصَّ عَلَيْهَا فِي الْعَهْدِ الْقَدِيمِ. وَهِيَ أَنْ يَقْدُمَ أَصْحَابُ الزَّرْعِ مِنْ أَوْلَى ثَمَرِهِمْ إِلَى الْكَاهِنِ لِيَقْدِمَهُ إِلَى الرَّبِّ، وَأَنْ يُسَمَّحَ لِلْفُقَرَاءِ بِالتَّقَاتِ مَا يَجِدُونَهُ عَلَى الْأَرْضِ مَهْمَلًا مِنْ بَقَايَا الزَّرْعِ، وَأَنْ يُعْطِيَ الْكَهَنَةُ وَالتَّيَامِيُّ وَالْفُقَرَاءُ وَالتَّغْرِيَاءُ وَالْأَرَامِلُ وَالتَّحْتَاجِينَ عَشْرَ مَحَاصِيلِ الْأَرْضِ. وَقَدْ كَثُرَتِ الْإِشَارَةُ إِلَيْهَا فِي الْعَهْدِ الْجَدِيدِ.

کرده است، در حالی که این حرف اشتباه است. اینکه در ادیان سابقه بوده و همان‌طور که اشاره کردیم خود قرآن کریم هم چنین می‌فرماید، بدین جهت است که اساس دین‌های الهی واحد است که همان صلوات و زکات است و این امر روشنی است. اما اینکه گفته شود اقتباس از سنت‌های سابق است، می‌گوییم:

**اولاً:** معلوم نیست اصل این ادعا که «لفظ زکات از زبان بابلی به زبان عربی و بقیه زبان‌ها راه یافته است» ثابت باشد بلکه چه بسا صرفاً یک نوع تشابهی بین دو لفظ بوده که این هم دلیل بر اقتباس نیست. **ثانیاً:** فرضاً بپذیریم اصل این لفظ بابلی بوده، اصلاً امر مهمی نیست. آنها به یک پرداخت خاصی «زکوتو» می‌گفتند و این لفظ وارد زبان عربی شده است، و چون عرب این لفظ را استعمال می‌کرده و معرب شده بوده، در قرآن کریم هم از آن استفاده شده است، مانند خیلی از الفاظ دیگر که چون عربی بودند در قرآن کریم استعمال شده‌اند و این اصلاً دلالت بر مطلب خاصی ندارد.

به هر حال این شبهه جایی ندارد و مهم آن است که بررسی کنیم این لفظ در قرآن کریم به چه معنایی استعمال شده است. لذا می‌گوییم:

### معنای لغوی ماده «زک و»

ماده «زک و»<sup>۱</sup> در اصل لغت عربی به [دو معنا استعمال شده است]. معنای [اول] «طَهَّرَ» است؛ «زکاة»

۱. کتاب العین، ج ۵، ص ۳۹۴.

زکو: الزَّكَاةُ: جمع الزَّكَاةِ. [و الزَّكَاةُ] زَكَاةُ الْمَالِ وَ هُوَ تَطْهِيرُهُ .. زَكَى يُزَكِّي تَزْكِيَةً، وَ الزَّكَاةُ: الصَّلَاحُ. تقول: رجل زَكِيٌّ [تقي]، وَ رجالُ أَرْكَبَاءِ أَتْقِيَاءِ. وَ زَكَا الزَّرْعُ يُزَكُّو زَكَاءً: ازداد و نما، وَ كلُّ شَيْءٍ ازدادَ وَ نما فهو يُزَكُّو زَكَاءً. وَ هذا الأمرُ لا يُزَكُّو، أَي: لا يلبق.

۷ المحيط في اللغة، ج ۶، ص ۳۰۰.

زکو: زَكَاةُ الْمَالِ: تَطْهِيرُهُ، زَكَى يُزَكِّي تَزْكِيَةً. وَ رِجَالُ أَرْكَبَاءِ وَأَتْقِيَاءِ، وَ زَكِيٌّ تَقِيٌّ. وَ زَكَا الزَّرْعُ يُزَكُّو زَكَاءً: إذا ازدادَ وَ نما. وَ هذا الأمرُ لا يُزَكُّو بفلان: أَي لا يلبقُ به، وَ مُضَدُّهُ الرِّكَاةُ. وَ زَكِيٌّ مَالُهُ وَ زَكَا.

۷ الصحاح، ج ۶، ص ۲۳۶۸.

زَكَاةُ الْمَالِ مَعْرُوفَةٌ. وَ زَكَى مَالَهُ تَزْكِيَةً، أَي أَدَّى عَنْهُ زَكَاةً. وَ تَزَكَّى، أَي تَصَدَّقَ. وَ زَكَا: السَّفْعُ: يقال: حَسَا أَوْ زَكَا.

وَ زَكَا الزَّرْعُ يُزَكُّو زَكَاءً مَمْدُودٌ، أَي نَمَا. وَ أَرْكَأَهُ اللهُ. وَ هذا الأمرُ لا يُزَكُّو بفلان، أَي لا يلبقُ به.

وَ غَلَامٌ زَكِيٌّ، أَي زَالٍ. وَ قد زَكَا يُزَكُّو زُكُوءًا وَ زَكَاءً، عَنِ الْأَخْفَشِ. الْأُمُوءِ: زَكَا الرَّجُلُ يُزَكُّو زُكُوءًا، إِذَا تَنَعَّمَ وَ كانَ فِي خُصْبٍ.

۷ معجم مقاييس اللغة، ج ۳، ص ۱۷.

زکی: الزاء و الکاف و الحرف المعتلّ أصلٌ يدلّ علی نَماءٍ و زیادة. و یقال الطَّهارةُ زکاةُ المال. قال \* بعضهم: سُمِّيتْ بِذلكَ لِأَنَّها مِمَّا يُرْجَى بِهِ زَكَاةُ الْمَالِ، وَ هُوَ زِيادته وَ نَماءُه. وَ قال بعضهم: سُمِّيتْ زَكَاةً لِأَنَّها طَهارةٌ. قالوا: وَ حُجَّةُ ذلكَ قولُه جَلَّ تَناءُؤُه: حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِها.

یعنی پاک شد. و به همین مناسبت هم پرداخت مالی مذکور را «زکات» می‌گویند؛ چراکه موجب تطهیر افراد می‌شود؛ چنانکه آیه شریفه ﴿حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾<sup>۱</sup>. همچنین این ماده به معنای «نمو و زیادت» هم آمده است و شاید هم به این مناسبت در قرآن کریم استعمال شده است که وقتی فرد زکات مالش را می‌پردازد، آن مال رشد و نمو پیدا می‌کند. و به تعبیری مثل شاخه‌های انگور است که وقتی آنها را حرص و کوتاه می‌کنند، شاخه‌های بهتر و محصول بیشتری می‌دهد. شاهد بر این معنا هم می‌تواند روایت منسوب به امیر المومنین علیه السلام باشد که فرمودند: «وَالْأَمْوَالُ تَنْقُضُ النَّفْقَةَ وَالْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ»<sup>۲</sup>؛ یعنی علم با انفاق کردن رشد می‌کند.

بنابراین «زکات» یا به معنای «طهارت» است و یا به معنای «رشد و نمو». بعضی معنای «نمو» را اصلی‌تر دانستند و معنای «طهارت» را در مرتبه بعد، و بعضی هم گفته‌اند «طهارت» اصل است. به هر حال این اختلاف مهم نیست و اشاره کردیم که «زکات» به معنای طهارت هم در قرآن کریم استعمال شده است. به هر حال لفظ زکات ۳۲ بار در قرآن کریم به کار رفته است و شکی نیست که در همه موارد به همان معنای لغوی به کار نرفته است؛ چون وقتی می‌فرماید «زکات را بپردازید» به این معنا نیست که «طهارت را

و الأصل في ذلك كله راجع إلى هذين المعنيين، وهما التَّامُّ والطَّهارة. و من التَّامِّ: زرع زالك، يبين الزكاء. و يقال هو أمرٌ لا يُزكو بفلان، أي لا يليق به.

✓ النهاية في غريب الحديث والأثر، ج ۲، ص ۳۰۷:

(زکا) (ه) قد تكرر في الحديث ذكر «الزَّكَاةِ وَالتَّزْكِيَةِ» و أصل الزَّكَاةِ فِي اللُّغَةِ الطَّهَارَةُ وَ التَّمَامُ وَ البركة وَ المدح، وَ كلٌّ ذلك قد استعمل في القرآن وَ الحديث، وَ وزنها فعلة كالصَّدَقَةِ، فلما تحرَّكت الواو وَ انفتح ما قبلها انقلبت ألفا، وَ هي من الأسماء المشتركة بين المخرج وَ الفعل، فتطلق على العين، وَ هي الطَّائِفَةُ مِنَ المَالِ الْمَرْكُوبِ بِهَا، وَ على المعنى، وَ هو التَّزْكِيَةُ.

✓ المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، ج ۲، ص ۲۵۴:

الزَّكَاةُ: بِالْمَدِّ التَّمَامُ وَ الزِّيَادَةُ يُقَالُ (زَكَا). الزَّرْعُ وَ الْأَرْضُ (تَزْكُو) (زُكُوًا) مِنْ بَابِ قَعَدَ وَ (أَزَكَى) بِالْأَلْفِ مِثْلُهُ وَ سُمِّيَ الْقَدْرُ الْمُخْرَجُ مِنَ الْمَالِ (زَكَاةً) لِأَنَّهُ سَبَبٌ يُرْجَى بِهِ الزَّكَاةُ وَ زَكَّى الرَّجُلُ مَالَهُ بِالتَّشْدِيدِ (تَزْكِيَةً) وَ (الزَّكَاةُ) اسْمٌ مِنْهُ وَ (أَزَكَى) اللَّهُ الْمَالَ وَ (زَكَاةً) بِالْأَلْفِ وَ التَّثْقِيلِ. وَ إِذَا نَسَبْتُ إِلَى (الزَّكَاةِ) وَجَبَ حَذْفُ الْهَاءِ وَ قَلْبُ الْأَلْفِ وَ أَوْأُ فَيُقَالُ (زَكُوِيٌّ) كَمَا يُقَالُ فِي النَّسَبَةِ إِلَى حَصَاةٍ حَصَوِيٌّ لِأَنَّ النَّسَبَةَ تَوَدُّ إِلَى الْأَصُولِ. وَ قَوْلُهُمْ (زَكَاةِيَّةٌ) عَامِيٌّ وَ الصَّوَابُ (زَكُوِيَّةٌ). وَ (زَكَا) الرَّجُلُ (يَزْكُو) إِذَا صَلَحَ وَ (زَكِيَّةٌ) بِالتَّثْقِيلِ نَسَبْتُهُ إِلَى (الزَّكَاةِ) وَ هُوَ الصَّلَاحُ وَ الرَّجُلُ (زَكِيٌّ) وَ الْجَمْعُ (أَزْكِيَاءُ).

۱. سورة مبارکه توبه، آیه ۱۰۳.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹، ص ۴۳۴:

يَا كُمْيَلُ الْعِلْمُ حَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ تَنْقُضُ النَّفْقَةَ وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ صَنِيعُ الْمَالِ يُرْوَلُ بِرَوَالِهِ ...



بپردازید» یا «رشد و نمو را بپردازید»، بلکه شکی نیست که در معنای دیگری غیر از معنای لغوی به کار رفته است. البته غیر از دو مورد ﴿خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا﴾<sup>۱</sup> که در مورد قضیه جناب موسی و عبد صالح است و ﴿وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا﴾<sup>۲</sup> در سایر موارد مقصود پرداخت مالی است و نمی‌توان به غیر پرداخت مالی معنا کرد. منتها این جهت مورد بحث است که مقصود چه نوع پرداخت مالی است؟ بعضی‌ها گفته‌اند مقصود مطلق پرداخت مالی است و حتی شامل پرداخت به عنوان خمس هم می‌شود. از جمله کسانی که تصریح به این مطلب کرده، مرحوم آقای عسکری در مقدمه بر مرآة العقول است. بعضی دیگر هم قائل به این مطلب شده‌اند و شواهدی بر اقامه کرده‌اند.

والحمد لله رب العالمين

تقریر و تنظیم: جواد احمدی

---

۱. سورة مبارکه کهف؛ آیه ۸۱.

۲. سورة مبارکه مریم؛ آیه ۱۳.